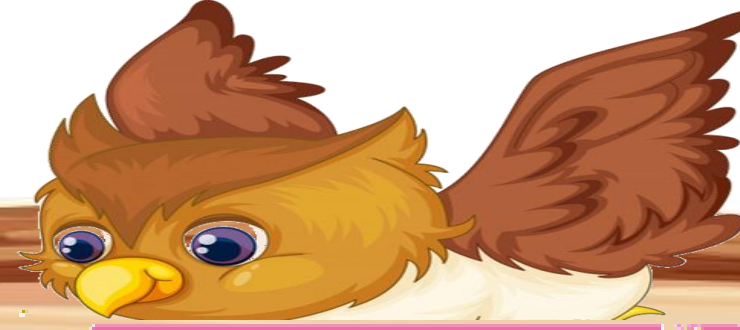


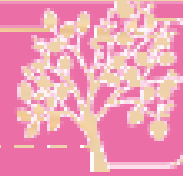
مکاشش درس یازدهم







املا و دانش زبانی



با توجه به متن درس ، واژه‌هایی که حروف زیر را دارند، در جاهای مشخص شده، بنویسید.



حادثه

حرکت

حکومت

تحقیق

وحشت

حمله

ح

مهیّب

فراهم

هوش

همت

ذهن

هراس
انگیز

ه



واژه‌ی میانی واژه‌های زیر را از متن درس پیدا کنید و بنویسید. ۲

نویسنده

ریاضی دان

خواجہ نصیر الدین توسی

شد

مشغول

کتاب‌ها

فرو افتاد

مہیب

صدای

آغاز

زیر کانه

حرکتی

دانشمندان

جذب

برای



در جمله‌های زیر، به جای واژه‌های مشخص شده، واژه‌ی مناسب دیگری بنویسید. ۳

خواجه نصیر با خود گفت: «جامعه برای **حفظ** (نگه..داشتن) خود به سه چیز نیازمند است».

خواجه نظام الملک در شهرری رصدخانه‌ای ساخت که دانشمندان در آنجا به **تحقیق** (مطالعه...) پرداختند

در آسمان علم و فرهنگ ایران، ستاره‌های **پرفروغ** (نورانی...) فراوانی می‌توان یافت.

او در دوازده شهر مهم، مدارس شبانه‌روزی **تأسیس کرد** (ساخت...).

احداث کرد





درک متن



الف) متن های زیر را بخوانید.



۱. گل های قرمز که انار می شود من همین طور می مانم که آخر چه طوری خدایا آخر چه طوری از هیچ چیز همه چیز درست می کنی
کنار باغچه می نشینم یک مشت خاک برمی دارم و می گویم آخر قرمزی انار از کجای این خاک درمی آید شیرینی و قیافه ی قشنگش از کجا، یک خاک و این همه رنگ این همه بو این همه طعم
خدایا به یادت می افتم حتی با دیدن دانه های سرخ انار

۲. گل های قرمز که انار می شود، من همین طور می مانم که آخر چه طوری؟ خدایا! آخر چه طوری از هیچ چیز، همه چیز درست می کنی؟
کنار باغچه می نشینم یک مشت خاک برمی دارم و می گویم: «آخر قرمزی انار از کجای این خاک درمی آید؟ شیرینی و قیافه ی قشنگش از کجا؟ یک خاک و این همه رنگ، این همه بو، این همه طعم!»
خدایا به یادت می افتم، حتی با دیدن دانه های سرخ انار.





ب) کدام یک از متن ها را بهتر فهمیدید؟ چرا؟

متن شماره ی ۲، زیرا در این متن علائم نگارشی به کار رفته
است. این علائم، خواندن و فهم متن را راحت تر می کند.





پ) متن زیر را بخوانید و نشانه گذاری کنید.

مردی تخم عقابی پیدا کرد و آن را در لانه‌ی مرغی گذاشت. جوجه عقاب با بقیه‌ی جوجه‌ها از تخم بیرون آمد و با آنها بزرگ شد. در تمام زندگیش او همان کارهایی را انجام داد که مرغ‌ها می‌کردند. برای پیدا کردن کرم و حشرات، زمین را می‌کند و قدق می‌کند و گاهی هم با دست و پا زدن بسیار کمی در هوا پرواز می‌کرد.

سال‌ها گذشت و عقاب پیر شد. روزی پرنده‌ی با عظمتی را بالای سرش بر فراز آسمان دید و با خود گفت: «چه باشکوه! این همه زیبایی، این همه قدرت!»

سپس از همسایه‌اش پرسید: «این کیست؟» همسایه‌اش پاسخ داد: «این عقاب است، سلطان پرندگان، او متعلق به آسمان است و ما زمینی هستیم.»



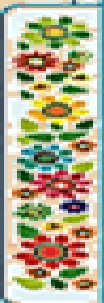


نگارش

داستان «آوازی برای وطن» (بخوان و بیندیش فصل سوم) را یک بار دیگر بخوانید و خلاصه‌ی آن را بنویسید. سپس نام جدیدی برای آن انتخاب کنید.

نام داستان:

Handwriting practice area with 15 horizontal lines.





توجه:

داستان را با حفظ ترتیب رویدادها، در ذهن خود مرور کنید. 🍌

زمان، مکان و شخصیت‌های داستان را در خلاصه‌نویسی، حفظ کنید. 🍌

پیام داستان را در بند پایانی، جمع‌بندی کنید. 🍌

نشانه‌های نگارشی را در جای مناسب استفاده کنید. 🍌





مرور کردن مطالب، شمارابه موفقیت نزدیک تر می کند.



امان
په